

معرفی پایداری مالیاتی شرکت: شاخصی جهت ارزیابی ریسک در حسابرسی بر مبنای طرح جامع مالیاتی

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۳

فرشته دارش^۱

سید علی واعظ^۲

مهدی بصیرت^۳

احمد کعب عمیر^۴

چکیده:

در طرح جامع مالیاتی مبتنی بر ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم، شرکت‌هایی مورد حسابرسی مالیاتی قرار می‌گیرند که دارای ریسک حسابرسی بالا باشند. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند جهت انتخاب مؤدیان پرریسک در نظر گرفته شود، پایداری مالیاتی است. هدف پژوهش حاضر ارزیابی پایداری مالیاتی و معرفی آن به عنوان معیاری جهت ارزیابی ریسک حسابرسی مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در نمونه‌ای شامل ۱۵۹ شرکت است. به منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون لجستیک و آزمون صحت پیش‌بینی مدل استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد پایداری مالیاتی در شرکت‌هایی که به دنبال کمیینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی نقدی هستند، کمتر است و این شرکت‌ها در خصوص پیش‌بینی پرداخت‌های مالیاتی با ابهام بیشتری روبه‌رو هستند. بنابراین در اجرای طرح جامع مالیاتی، می‌توان شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین را دارای پایداری مالیاتی پایین‌تر و در زمره شرکت‌های با ریسک حسابرسی بالا قلمداد نمود.

واژه‌های کلیدی: پایداری مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی، طرح جامع مالیاتی، حسابرسی مبتنی بر ریسک، ریسک مالیاتی.

۱. دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران/گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، نویسنده مسؤل، ایمیل: sa.vaez@gmail.com
۳. استادیار، گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
۴. مربی، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۱- مقدمه

بر اساس تئوری نمایندگی^۱، یکی از راه‌های پیشنهادی جهت همسو نمودن منافع مدیران و مالکان، پاداش مدیریت است. مدیران نیز در راستای نیل به ارائه عملکرد بهتر و کاهش هزینه‌های نمایندگی، از روش‌های مدیریت سود^۲ کمک می‌گیرند (گادفری و هادسون^۳، ۲۰۱۳؛ شباهنگ، ۱۳۸۷). یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش مالیات است (دسای و دارماپالا^۴، ۲۰۰۷) چرا که قوانین مالیاتی از عوامل مؤثر بر محاسبه سود شرکت هاست که به تصمیمات مدیران در انتخاب روش‌های حسابداری جهت می‌دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). به عقیده ایتو^۵ (۲۰۰۷) مدیران با بهره‌برداری از الگوی خانه تکانی^۶، به وسیله انتقال هزینه‌های دوره‌های آتی به دوره‌های جاری و تأخیر در شناخت درآمدها، در جهت حداقل سازی سود و کاهش نرخ مؤثر مالیاتی^۷ در دوره جاری تلاش می‌کنند. نرخ مؤثر مالیاتی عبارتست از نرخ واحد که بر اساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود (آقایی، ۱۳۸۰). نرخ قانونی مالیات در ایران بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحیه ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ و اصلاحیه‌های قبل از آن معادل ۲۵٪ است اما نرخ مؤثر مالیاتی متفاوت از نرخ قانونی بوده (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۹) که دلیل آن استفاده از معافیت‌های مالیاتی یا راهکارهای اجتناب مالیاتی است (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۳). مطالعات مختلف نشان می‌دهد که چگونه شرکت‌ها با استفاده از راهکارهای اجتناب مالیاتی^۸ سعی در کاهش نرخ مؤثر مالیاتی دارند (برای نمونه دایرنگ و لیندسی^۹، ۲۰۰۹، گراهام^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۴، جنتر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۷). راهکارهای اجتناب مالیاتی، می‌تواند در آینده شرکت را در شرایط پرریسک قرار دهد زیرا روش‌های اجتناب مالیاتی که منجر به کاهش نرخ مؤثر مالیات در حال حاضر می‌شوند، ممکن است در آینده استمرار نیابند یا زمان استفاده از معافیت‌ها و تشویق‌های مالیاتی در آینده منقضی شود (جنتر و همکاران، ۲۰۱۷). در این صورت شرکت نرخ مؤثر مالیات بالاتری را در آینده تجربه خواهد نمود و پایداری مالیاتی^{۱۲} شرکت تحت تأثیر راهکارهای کاهنده نرخ مؤثر مالیاتی قرار خواهد گرفت (دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۷). پایداری مالیاتی، استراتژی‌ای است که در نتیجه‌ی آن سود قبل از کسر مالیات تغییرات کمی دارد (دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۴) و بر حفظ و نگهداری نتایج اجتناب مالیاتی در

1. Agency theory
2. Earning management
3. Godfery & Hadson
4. Desai, & Dharmapala
5. Itoh
6. Taking a bath
7. Effective tax rate
8. Tax avoidance
9. Dyreng & Lindsey
10. Graham
11. Guenther
12. Tax persistent

طول زمان متمرکز است (جنتر و همکاران، ۲۰۱۷؛ مک‌گوایر^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین همانگونه که نرخ مؤثر مالیاتی انعکاسی از تئوری نمایندگی است، پایداری مالیاتی نیز شاخصی است که نشان دهنده ریسک مالیاتی آتی شرکت است. پایداری مالیاتی منعکس‌کننده اطلاعات مناسب و خلاصه اثرات تجمعی معافیت‌های مالیاتی مختلف و تغییرات در نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها است (گوپتا و نیوبری^۲، ۱۹۷۷).

یکی از انگیزه‌های اصلی انجام پژوهش حاضر، اهمیت سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه کشور و تأکید طرح جامع مالیاتی بر حساسی مبتنی بر ریسک، از سوی سازمان امور مالیاتی کشور است. در طرح جامع مالیاتی، مطابق با ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱، اظهارنامه‌های مؤدیانی مورد حساسی مالیاتی قرار می‌گیرد که دارای ریسک پایین هستند، بدون حساسی مالیاتی پذیرفته می‌شود. در واقع در طرح جامع مالیاتی، حساسی مبتنی بر ریسک انجام می‌شود. (برزگری خانقاه و فیض‌پور، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر قصد دارد پایداری مالیاتی را به عنوان یکی از شلخص‌های ارزیابی ریسک معرفی نماید بدین معنا که شرکت‌های با پایداری مالیاتی بالا، ریسک حساسی پایین‌تری دارند. در این پژوهش متغیر پایداری مالیاتی معرفی می‌شود که برای اولین بار در میان پژوهش‌های داخلی مطرح می‌شود و تا کنون هیچ‌گونه تعریف مفهومی و عملیاتی از آن ارائه نشده است. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر تعریف مفهومی و عملیاتی پایداری مالیاتی و معرفی آن به عنوان شاخصی جهت تعیین ریسک حساسی مؤدیان مالیاتی در طرح جامع مالیاتی است. انتظار می‌رود نتایج پژوهش چنین دستاوردهایی به همراه داشته باشد: نخست گسترش متون رشته حسابداری در زمینه حداقل‌سازی مالیات، پایداری مالیاتی و افزایش ارزش شرکت. دوم، ارائه اطلاعات مفید به نهادهای قانون‌گزار، استاندارد‌گزار و مدیران شرکت‌ها در ارزیابی ریسک مالیات، تأثیر آن در حساسی مالیاتی و بهره‌مندی از مفاد ماده ۹۷ ق.م.م. برای شرکت. سوم، ایجاد انگیزه برای سایر پژوهش‌گران به منظور انجام پژوهش در حوزه استراتژی‌های مالیاتی.

ساختار مقاله شامل شش بخش است. در بخش اول مقدمه، بخش دوم مبنای نظری، بخش سوم پیشینه پژوهش، بخش چهارم روش‌شناسی، بخش پنجم یافته‌ها و در بخش ششم نتیجه‌گیری و پیشنهادات کاربردی ارائه می‌شود.

۲- مبنای نظری

۲-۱- طرح جامع مالیاتی

مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت، نقش بسزایی در تأمین هزینه‌های دولت و به ویژه قطع وابستگی بودجه جاری کشور به درآمدهای نفتی و نیل به استقلال اقتصادی دارد؛ از این‌رو، یکی از مهم‌ترین محورهای اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، تکیه

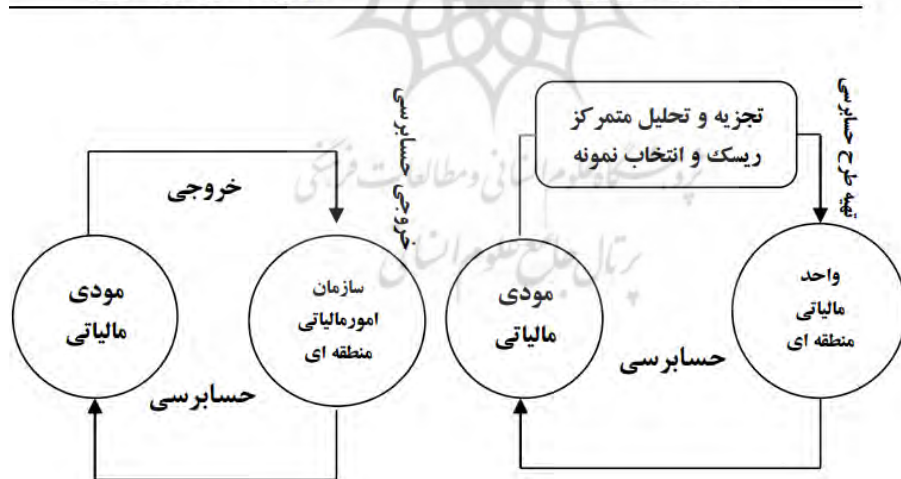
1. McGuire

2. Gupta and Newberry

مخارج دولت بر مالیات‌ها و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است. همچنین با استفاده از ابزارهای مالیاتی در جهت افزایش شفافیت اقتصادی، امکان رصد فعالیت‌های اقتصادی و مقابله با قاچاق و شناسایی فرارهای مالیاتی در کشور میسر خواهد شد (رضانی و همکاران، ۱۳۹۲). بدین منظور، در راستای تحقق اهداف برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۸۳، اجرای طرح جامع مالیاتی از طرف سازمان امور مالیاتی کشور، در دستور کار قرار گرفت. طرح جامع مالیاتی یک تغییر رفتار مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است که تمام ارکان سازمان شامل ساختار، فرآیندها، تغییر قوانین و مقررات، فناوری و منابع انسانی را در برمی‌گیرد. در طرح جامع مالیاتی، مطابق با ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱، اظهارنامه‌های مؤدیانی که دارای ریسک پایین هستند، بدون حسابرسی مالیاتی پذیرفته می‌شود و دیگر بستری را فراهم می‌کند که ۸۰ درصد اظهارنامه‌های مؤدیان بدون رسیدگی مورد پذیرش قرار گیرند. از این منظر بخش عمده‌ای از مؤدیان کمتر مورد مراجعه سازمان امور مالیاتی قرار خواهند گرفت. در این کار که بر مبنای ارزیابی ریسک مؤدیان انجام می‌شود، مؤدیان کم‌ریسک از گردونه حسابرسی مالیاتی خارج و مؤدیان مالیاتی پرریسک برای حسابرسی مالیاتی انتخاب می‌شوند. (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۱).

شکل ۱. مراحل مقایسه حسابرسی مبتنی بر ریسک و حسابرسی سنتی

حسابرسی مبتنی بر ریسک



* بر اساس طرحی از بزرگری خانقاه و فیض‌پور (۱۳۹۲)

در طرح جامع مالیاتی، با توجه به حسابرسی مبتنی بر ریسک، شرکت‌هایی مورد حسابرسی مالیاتی قرار می‌گیرند که معمولاً جزو مؤدیان بزرگ و متوسط بوده و دارای ریسک بالا هستند.

(رمضانی و عسکری، ۱۳۹۴). لذا انتخاب نمونه مورد حسابرسی، با توجه به تعداد مؤدیان، اندازه مؤدیان و سطح ریسک مالیاتی، بر اساس مدل زیر انجام می‌شود:

شکل ۲. رابطه ریسک و تعداد مؤدیان مورد حسابرسی در طرح جامع مالیاتی
فعالیت‌های لازم برای انجام ممیزی



* بر اساس طرحی از سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۱)

بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، شرکت‌هایی که دارای نرخ مؤثر مالیاتی پایین هستند، ریسک مالیاتی بالاتری نیز دریافت می‌کنند (ریگو و ویلسون^۱، ۲۰۱۲؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۳؛ بادرچر^۲ و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریگو و هاتچز، ۲۰۱۵؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۷؛ شولین^۳ و همکاران، ۲۰۱۳؛ حسن^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیات، همچنین منجر به ایجاد هزینه‌هایی از جمله جرائم مالیاتی و هزینه‌های تأمین مالی اضافی برای شرکت شده و باعث کاهش نقدینگی در آینده، ابهام در پرداخت‌های مالیاتی آتی و افزایش ریسک گردد (ریگو و هاتچز، ۲۰۱۵). بنابراین کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی، ضمن ایجاد ابهام در پیش‌بینی پرداخت‌های مالیاتی آینده، بر کاهش پایداری مالیاتی و افزایش ریسک مالیاتی آتی اثرگذار باشد. لذا

1. Rego & Wilson
2. Badertscher
3. Shevlin
4. Hasan

پایداری مالیاتی می‌تواند به عنوان شاخصی در بررسی ریسک مؤدی مورد استفاده قرار گیرد چرا که پایداری مالیاتی، رفتار نرخ مؤثر مالیاتی را در بلند مدت مطالعه می‌کند.

۲-۲- پایداری مالیاتی

بر اساس فرضیه مدیریت سود، مدیران با دو هدف اقدام به استفاده از راهکارهای اجتناب مالیاتی و کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی می‌نمایند. مدیران یا در جهت منافع سهامداران و با انگیزه کاهش تعهدات مالیاتی (فیلیپس^۱، ۲۰۰۳) و یا در جهت منافع خود و با هدف فرصت‌طلبی نرخ مؤثر مالیات را پایین‌تر نشان داده و پرداخت‌های مالیاتی را کاهش می‌دهند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). بنابراین اجتناب مالیاتی انعکاسی از تئوری نمایندگی است (خانی و همکاران، ۱۳۹۳). تفاوت بین مالیات ابرازی و مالیات قطعی، نشان دهنده میزان اجتناب مالیاتی است. اجتناب مالیات در قالب طیف وسیعی از فعالیت‌های کاهش مالیات، از سرمایه‌گذاری‌های سودمند مالیاتی (مانند اوراق قرضه دولتی^۲ معاف از مالیات) گرفته تا استراتژی‌های جسورانه که برای شرکت چالش برانگیز باشد، تعریف می‌شود (دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۴). اعمال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با هدف کاهش نرخ مؤثر مالیاتی در کوتاه‌مدت، پایداری مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مک گوایر و همکاران، ۲۰۱۳).

پایداری مالیاتی به معنای پایداری در سود قبل از کسر مالیات و قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است که در بلند مدت برای شرکت ایجاد ارزش می‌نماید (مک گوایر و همکاران، ۲۰۱۳). دایرنگ (۲۰۱۴) عنوان می‌کند که پایداری مالیاتی به معنای اجتناب مالیاتی بلندمدت است اما مک‌گوایر و همکاران (۲۰۱۳) معتقد است که پایداری مالیاتی بر کمینه‌سازی مالیات متمرکز نیست بلکه بر حفظ پیامدهای اجتناب مالیاتی، بدون در نظر گرفتن کمینه‌سازی مالیات، در طول زمان متمرکز است. این در حالی است که حداقل‌سازی مالیات، بر میزان تعهدات مالیاتی در یک دوره‌ی معین توجه دارد و نسبت به حفظ رویه‌های اجتناب مالیاتی و پایین نگه داشتن نرخ مالیات در آینده، بی‌توجه است (نیومن^۳، ۲۰۱۶). موسسه حسابداری کی. پی. ام. جی^۴، یکی از چهار مؤسسه بزرگ، طی گزارشی در سال ۲۰۰۷ نشان دادند که پایداری مالیاتی، هدف بلندمدت برای شرکت‌هاست. زیرا از دید تحلیل‌گران مالی، تغییرات غیرمنتظره در نرخ مالیات نشانه‌ای از ضعف مدیریت است. همچنین دیلویت^۵ (۲۰۱۳) معتقد است تحلیل‌گران بازار و برنامه‌ریزان مالیاتی به دنبال پیامدهای پایداری مالیات هستند زیرا این فعالیت‌ها در بلندمدت برای شرکت ایجاد ارزش می‌نمایند.

مدیران شرکت‌هایی که با استفاده از روش‌های مدیریت سود، مانند تغییر در رویه‌های

1. Phillips
2. Government bonds
3. Neuman
4. KPMG LL
5. Deloitte

حسابداری، انجام برآوردهای حسابداری، اعمال اختیار در شناسایی درآمد و هزینه، انتقال درآمد و هزینه درون گروهی و ... از الگوی حداقل رساندن سود استفاده می‌کنند، در دوره‌های جاری نرخ مؤثر مالیات پایین‌تری دارند اما در دوره‌های آینده سود بالاتری شناسایی می‌کنند و به دنبال آن متعهد به پرداخت مالیات بیشتری خواهند شد، چرا که هدف آن‌ها کاهش مالیات در کوتاه‌مدت بوده است (هیلی و پاپلو، ۱۹۹۳). به عقیده دایرنگ و همکاران (۲۰۱۴) اگر شرکت با استفاده از اجتناب مالیاتی، موقعیت‌های غیرقانونی یا صرفه‌جویی‌های کوتاه مدت مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات را پایین نگه دارد، در آینده که فرصت‌های اجتناب مالیاتی منقضی شده و موقعیت‌های غیرقانونی از طرف قانون رد می‌شوند، با پرداخت مالیات و جریمه بیشتر مواجه شده و نرخ مؤثر مالیات افزایش می‌یابد. در این صورت نرخ مؤثر مالیات پایین در زمان حال، نرخ مؤثر مالیات بالاتر را در آینده در پی خواهد داشت (جنتر و همکاران، ۲۰۱۷) و این به معنای پایداری مالیاتی کمتر برای شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر است.

شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی پایین دارند، ریسک مالیاتی بالاتری نیز دریافت می‌کنند (ریگو و ویلسون، ۲۰۱۲؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۳). ریسک مالیاتی نشان دهنده نوسان نرخ مالیات (نیومن و همکاران، ۲۰۱۳) و عدم قطعیت در خصوص پرداخت‌های مالیاتی در آینده است (بادرچر و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریگو و هاتچر، ۲۰۱۵؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس مطالعات مختلف انجام شده در این زمینه، بادرچر و همکاران (۲۰۱۳) رابطه مثبتی بین مالکیت مدیریتی و نرخ مؤثر مالیات یافتند. شولین و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین، در زمان دریافت وام، نرخ بهره بانکی بالاتری را متحمل می‌شوند. حسن و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند با افزایش مالکیت مدیریتی، شرکت‌ها از ریسک ذاتی استراتژی‌های مالیاتی دوری می‌جویند. چن^۱ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، نرخ مؤثر مالیات بالاتری دارند. این نتایج مبین این است که مدیران از راهکارهای اجتناب مالیاتی که نرخ مؤثر مالیات را کاهش می‌دهند، دوری می‌جویند تا مجبور به تحمل ریسک بالاتر نشوند. بنابراین نرخ مؤثر مالیات یک عامل مهم برای پیش‌بینی ریسک مالیاتی است و انتظار می‌رود شرکت‌های دارای پایداری مالیاتی کمتر، بیشتر از روش‌های کوتاه‌مدت کاهش نرخ مؤثر مالیات استفاده نمایند. بر اساس مطالب ارایه شده، فرضیه پژوهش به شرح ذیل تدوین شده است و انتظار می‌رود شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر، پایداری مالیاتی کمتری داشته باشند:

فرضیه پژوهش: پایداری مالیاتی در شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی پایین‌تر، کمتر است.

۳- پیشینه پژوهش

تاکنون در میان پژوهش‌های داخلی، پژوهشی در زمینه پایداری مالیاتی انجام نشده است و تنها در چند پژوهش خارجی به معرفی و اندازه‌گیری این مفهوم پرداخته و ریسک ناشی از

حدافل‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی را بررسی نموده‌اند. جنتر و همکاران (۲۰۱۷) با در نظر گرفتن دو معیار میزان مالیات نقد پرداختی و میزان هزینه‌های مالیاتی، در میان بانک‌ها و شرکت‌های بیمه در فاصله سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۱، تأثیرگذاری نرخ مؤثر مالیاتی را بر پایداری مالیاتی بررسی کردند. آنها دریافتند که نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تر، پایداری بیشتری نسبت به نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر دارد. نیومن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی که به منظور ارزیابی ریسک انجام دادند، برای شناسایی معاملات، فعالیت‌ها و ویژگی‌هایی که بر ریسک مالیاتی مؤثر است از ۶ منبع: معاملات، عملکرد، قرارداد، حسابداری مالی، حسابداری مدیریتی و ریسک اعتباری استفاده کردند. پژوهش آن‌ها در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ در شرکت‌های ایالات متحده انجام شد و نتایج نشان داد که که رابطه‌ای منفی بین ریسک مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت وجود دارد. همچنین ریسک مالیاتی نیز پایداری مالیاتی را کاهش می‌دهد. دایرنگ و همکاران (۲۰۱۴) طی پژوهشی در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، نتایج نشان دادند شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین، ریسک مالیاتی بالاتری دارند. این شرکت‌ها از پناهگاه‌های مالیاتی، هزینه‌های بالای پژوهش و توسعه و استراتژی قیمت‌گذاری انتقالی استفاده می‌کنند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های اثباتی مالی قرار می‌گیرد و ماهیت آن توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. همچنین به منظور اندازه‌گیری متغیرها از داده‌های سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ استفاده شده است. نحوه انتخاب نمونه، با اعمال محدودیت‌های زیر و به روش حذف سیستماتیک انجام می‌شود:

۱. سال مالی شرکت بایست منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
 ۲. کلیه داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرها در دسترس باشد.
 ۳. شرکت‌ها به طور کلی معاف از پرداخت مالیات نباشند.
 ۴. شرکت‌های نمونه جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک نباشند.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۵۹ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شد.

۴-۱- مدل پژوهش

به منظور بررسی پایداری مالیاتی، اطلاعات شرکت‌ها به صورت طیف بررسی می‌شوند. بدین معنا که پایداری مالیاتی برای یکایک شرکت‌ها محاسبه نمی‌شود بلکه از اطلاعات کلیه شرکت‌های موجود در نمونه آماری، برای بررسی رفتار پایداری مالیاتی در سطح کل شرکت‌های مورد آزمون، استفاده می‌گردد. برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل زیر مطابق با جنتر و همکاران (۲۰۱۷) استفاده شده است:

$$\text{ETR Quintile}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Cash ETR}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1) \text{ مدل}$$

CashETR_{it}: نرخ مؤثر مالیات شرکت i در سال t. نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{Cash ETR}_{it} = \frac{\sum_{n=1}^{n=5} (\text{مالیات پرداخت شده})}{\sum_{n=1}^{n=5} (\text{سود قبل از مالیات})}$$

مالیات پرداخت شده اشاره به مجموع مالیات ابرازی پرداختی توسط شرکت در ۵ سال گذشته می‌باشد. مزیت اصلی این معیار نسبت به نرخ مؤثر مالیاتی سالانه، ماهیت بلندمدت محاسباتی آن است که از بی‌ثباتی سال به سال در نرخ‌های مؤثر مالیاتی جلوگیری می‌کند و ارتباط بهتری بین مالیات‌های پرداخت شده و سودهای مشمول مالیات برقرار می‌کند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

ETR Cuintile_{it}: پایداری مالیاتی شرکت i در سال t. اگر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت، نسبت به سال قبل تغییر نکرده باشد، متغیر پایداری نرخ مؤثر مالیاتی، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر چنانچه نرخ مالیات شرکت نسبت به سال قبل تغییری نداشته باشد، نرخ مالیاتی شرکت پایدار است.

برای تخمین مدل فوق، ابتدا داده‌ها به پنج دسته طبقه بندی می‌شوند. بدین ترتیب که متغیر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها بر اساس داده‌های دسته‌بندی شده و از کمترین تا بیشترین نرخ مؤثر مالیاتی مرتب و در پنج طبقه، پرتفوبندی و طبقات از نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر تا نرخ مؤثر مالیات بالاتر در نظر گرفته می‌شوند. سپس مدل فوق به صورت جداگانه و به روش رگرسیون لجستیک^۱، برای هر پرتفو تخمین زده می‌شود و نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها با هم مقایسه می‌شوند. چنانچه در مدل پرتفوی اول، ضریب متغیر نرخ مؤثر مالیاتی منفی باشد، نشان می‌دهد که نرخ‌های مؤثر مالیاتی پایین‌تر، پایداری کمتری دارند و در مدل پرتفوی پنجم، مثبت بودن ضریب نرخ مؤثر مالیاتی نشان می‌دهد که نرخ‌های مؤثر مالیاتی بالاتر، پایداری بیشتری دارند.

۵- یافته‌ها

به منظور آزمون فرضیه، مدل پژوهش به روش رگرسیون لجستیک تخمین زده می‌شود:

1. Hanlon & Heitzman

2. Logistic regression

جدول ۱. تخمین مدل (۱) به روش رگرسیون لجستیک

کوانتیل اول	کوانتیل دوم	کوانتیل سوم	کوانتیل چهارم	کوانتیل پنجم
۱۴۵/۰۰	-۰/۵۱۷	۹/۵۷۰	۳۸/۷۳	۳۲/۸۷
-۲/۶۶	-۰/۰۶۰	۰/۷۵۰	۲/۶۱	۸۱/۲
۰/۰۰	۰/۹۵	۰/۴۵	۰/۰۰	۰/۰۰
۱/۴۸	-۱/۰۹	-۲/۴۰	-۷/۷۰	-۶/۷۵
۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳
۷/۲۱	۰/۰۰۳	۰/۵۶۸	۷/۳۵	۸/۵۸
(۰/۰۰)	(۰/۴۳)	(۰/۴۵)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)

* منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون صحت پیش‌بینی مدل

پس از تخمین مدل پژوهش به روش لجستیک می‌توان درصد صحت پیش‌بینی مدل را محاسبه و از نیکویی برازش آن اطمینان حاصل نمود. برای این منظور کندی (۲۰۰۳) آزمونی را بر اساس محاسبه‌ی درصد پیش‌بینی صحیح مشاهدات صفر و یک پیشنهاد کرده است. بدیهی است هر چه مقادیر بیان شده به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشند، توان توضیحی مدل بالاتر است.

جدول ۲. آزمون صحت پیش‌بینی مدل

کوانتیل اول	درصد صحت کلی پیش‌بینی مدل
کوانتیل اول	۲۵/۷۹٪
کوانتیل دوم	۴۷/۷۵٪
کوانتیل سوم	۹۹/۷۷٪
کوانتیل چهارم	۹۶/۷۲٪
کوانتیل پنجم	۷۲/۵۴٪

* منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل به روش رگرسیون لجستیک در هر طبقه، آماره F نشان از معناداری مدل برآورد شده در کوانتیل اول، چهارم و پنجم دارد. درصد صحت پیش‌بینی بین کلی مدل در کوانتیل اول برابر با ۲۵/۷۹٪، کوانتیل چهارم برابر با ۹۶/۷۲٪ و کوانتیل پنجم برابر با ۷۲/۵۴٪ است.

علامت ضریب متغیر نرخ مؤثر مالیاتی نشان دهنده پایداری نرخ مؤثر مالیات در هر کوانتیل

می‌باشد. چنانچه ضریب متغیر مستقل مثبت باشد، نشان از پایداری نرخ در کوانتیل مورد بررسی دارد. در کوانتیل اول، ضریب منفی متغیر نرخ مؤثر مالیاتی نشان می‌دهد که نرخ‌های مؤثر مالیاتی پایین‌تر، پایداری کمتری دارند. در پرتفوی‌های چهارم و پنجم، مثبت بودن ضریب نرخ مؤثر مالیاتی نشان از پایداری نرخ مؤثر در نرخ‌های بالاتر مالیاتی دارد. بنابراین به طور کلی، شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیات آن‌ها بالاتر است، پایداری مالیاتی بالاتری دارند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این دیدگاه که مدیران به منظور کاهش در پرداخت‌های مالیاتی با استفاده از روش‌های پرریسک، از جمله اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات را کاهش می‌دهند، می‌طلبد که پژوهشی در زمینه پایداری مالیاتی صورت گیرد. چه بسا کاهش نرخ مؤثر مالیاتی جاری شرکت را وادار به رویارویی با پرداخت‌های مالیاتی نماید که تا کنون به کمک اجتناب مالیاتی یا روش‌های موقت کاهش نرخ مؤثر مالیات، مخفی شده‌اند و اکنون پس از انقضای دوره‌ی تشویق‌های مالیاتی و راهکارهای کاهش پرداخت مالیات، نمایان می‌شوند و افزایش نرخ مالیاتی را برای شرکت پیش می‌آورند. نتیجه حاصل از پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در طبقه‌ی پایین‌ترین نرخ‌های مؤثر مالیاتی قرار دارند، پایداری مالیاتی کمتری نیز دارند که دلیل این موضوع استفاده از راهکارهای موقتی در کاهش پرداخت‌های مالیاتی است. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند، به دلیل اینکه پرداخت‌های مالیات آنان تقریباً برابر و یا نزدیک به نرخ مالیاتی قانونی می‌باشد، معمولاً تعدیل‌های مالیاتی کمتری انجام داده و در نتیجه پایداری مالیاتی آنان بیشتر است. بنابراین در طرح جامع مالیاتی، احتمال اینکه شرکت‌های با پایداری مالیاتی پایین‌تر، مورد حسابرسی مالیاتی قرار گیرند وجود دارد چرا که احتمالاً این شرکت‌ها از راه‌کارهای جسورانه قانونی و حتی غیرقانونی در کاهش نرخ مؤثر مالیاتی خود استفاده می‌نمایند. نتایج آزمون فرضیه با انتظار اولیه نویسندگان و مبنای نظری پژوهش مطابقت دارد. از آنجا که تا به حال پژوهشی در خصوص پایداری مالیاتی در ایران انجام نشده، امکان مقایسه نتیجه آزمون فرضیه با سایر پژوهش‌ها بسیار محدود است. برای نمونه جنتر و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند شرکت‌های دارای نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر، پایداری مالیاتی بیشتری دارند که با نتیجه پژوهش حاضر مغایرت دارد. همچنین پژوهش‌گرانی مانند مک گوایر و همکاران (۲۰۱۲)، نیومن و همکاران (۲۰۱۲) و جنتر و همکاران (۲۰۱۳)، به طور غیر مستقیم، نشان می‌دهند که وجود پایداری مالیاتی بر کاهش ریسک شرکت مؤثر است. با توجه به نتایج بدست آمده، پیشنهادات ذیل به سازمان امور مالیاتی کشور و سهامداران ارائه می‌شود:

در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و همچنین اهداف برنامه‌های توسعه‌ای پنج ساله و در چارچوب طرح تحول اقتصادی دولت، طرح جامع مالیاتی به عنوان مبنای اصلی تحقق عدالت اقتصادی و به ویژه در حوزه مالیات و محور اصلی طرح تحول اقتصادی، برنامه‌ریزی شده و در حال اجرا است. به منظور انجام حسابرسی مبتنی بر ریسک در راستای

اجرائی نمودن مفاد ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحیه ۱۳۹۴/۰۴/۳۱، لازم است شاخص‌های ارزیابی ریسک حسابرسی مالیاتی تعیین شود. به سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد می‌شود، به دلایل ذیل، فاکتور پایداری مالیاتی را به عنوان شاخص ریسک در حسابرسی مبتنی بر ریسک طرح جامع مالیاتی به کار بندد:

محاسبه شاخص پایداری مالیاتی، از طریق اطلاعات مربوط به داده‌های مالیات پرداختی مؤدی انجام می‌شود که به لحاظ اینکه معیار محاسبه اقلام نقدی است، امکان دستکاری در شاخص مذکور کاهش می‌یابد.

محاسبه شاخص پایداری مالیاتی با استفاده از داده‌هایی در بازه زمانی ۵ ساله انجام می‌شود، لذا از تأثیر نوسان و بی‌ثباتی ناشی از وضعیت اقتصادی در محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی جلوگیری می‌کند

پایداری مالیاتی، امکان پیش‌بینی پرداخت‌های مالیاتی آتی و ریسک مالیاتی آتی شرکت‌ها را داراست.

به کلیه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی (اعم از سهامداران و وام‌دهندگان) توصیه می‌شود که به کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌هایی که از نرخ مؤثر مالیاتی بالایی برخوردار هستند، اطمینان بیشتری نمایند. همچنین توصیه می‌شود حتی‌الامکان در سرمایه‌گذاری و یا اعطای وام به شرکت‌هایی که از نرخ مؤثر مالیاتی پایینی برخوردار هستند، با محافظه‌کاری بیشتری برخورد نمایند.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. آقایی، اله‌محمد (۱۳۸۰). بررسی معافیت زیر بخش‌های کشاورزی در نظام مالیاتی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
۲. بزرگری خانقاه، جمال؛ فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۹۲). حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته در حال توسعه. پژوهش حسابداری، شماره ۸، صص ۱۲۳-۱۴۲.
۳. حسینی، محسن؛ شفیعی، سعیده (۱۳۸۹). تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه‌های مشاغل و اشخاص حقوقی. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۸: صص ۱۲۵-۱۵۱.
۴. خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم؛ یوسفی، امین (۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش حسابداری، دوره ۴، شماره ۴، پیاپی ۱۵: صص ۱۲۱-۱۴۲.
۵. رضانی، مهدی؛ عسکری، علی (۱۳۹۴). مدیریت ریسک مالیاتی با تأکید بر اندازه و نوع فعالیت مؤدیان حقوقی. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۳، شماره ۲۸، مسلسل ۷۶، صص ۱۱-۴۰.
۶. رضانی، سید مهدی؛ دستگیر، محسن؛ عسکری، علی؛ خانی، عبدالله (۱۳۹۲). حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک و معیارهای تعیین‌کننده آن با تأکید بر اندازه مؤدیان مالیاتی و تجربه سایر کشورها، پژوهشنامه مالیات، شماره ۶۶.
۷. سازمان امور مالیاتی ایران (۱۳۹۱). ظرفیت‌های مالیاتی اقتصاد ایران، چالش‌ها و راهکارهای توسعه آن، دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی.
۸. شباهنگ، رضا (۱۳۸۷). تئوری حسابداری، جلد اول، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ششم.

۹. گادفری، جین؛ هادسون، آلن (۱۳۹۲)، تئوری حسابداری، چاپ دوم، ترجمه علی پارسائیان، انتشارات ترمه، تهران.
۱۰. گلستانی، شهرام؛ دلدار، مصطفی؛ سیدی، سید جلال و سید حبیب جعفری شوره، (۱۳۹۳)، رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۷۰: صص ۱۸۱-۲۰۴.
۱۱. مهران، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ سید حسینی، مصطفی؛ جهرومی، مهتاب (۱۳۹۲)، تئوری حسابداری، چاپ دوم، انتشارات نگاه دانش، تهران.

ب- منابع انگلیسی:

1. Badertscher, B., S. Katz, and S. Rego. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics* 56, 228-250.
2. Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and T. Shevlin. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics* 95: 41-61.
3. Deloitte LLP. (2013). Responsible tax: Sustainable tax strategy.
4. Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2007). "Taxation and the evolution of aggregate corporate ownership concentration. Cambridge University Press, New York, pp: 345-383.
5. Desai, M. & Dharmapala, D. (2009), Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment", *National Tax Journal*, 62.
6. Dyreng, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2008). Long run corporate tax avoidance. *The Accounting Review* 83: 61-82.
7. Dyreng, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2014). Rolling the Dice: When Does Tax Avoidance Result in Tax Uncertainty? Working paper, Duke University, Massachusetts Institute of Technology, and The University of North Carolina.
8. Dyreng, S., and B. Lindsey. (2009). Using financial accounting data to examine the effect of foreign operations located in tax havens and other countries on US multinational firms' tax rates. *Journal of Accounting Research* 47, 1283-1316.
9. Graham, J., M. Hanlon, T. Shevlin and N. Shroff. (2014). Incentives for tax planning and avoidance: Evidence from the field. *The Accounting Review*, 89, pp: 991-1023.
10. Guenther, D., S. Matsunaga, and B. Williams. (2013). Tax avoidance, tax aggressiveness, tax risk, and firm risk. Working paper, University of Oregon.
11. Guenther, D., S. Matsunaga and Williams, B. (2017) *The Accounting Review*, Vol. 92, No. 1 January 2017 pp: 115-136.
12. Gupta, S, and Newberry, K. (1997), "Determinants of the variability in corporate effective tax rate": evidence from longitudinal data. *Journal of Accounting & Public Policy*, vol. 16, pp. 1-39.
13. Hanlon, M., Heitzman, S., (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50, pp: 127-178.
14. Hasan, I., C. Hoi, Q. Wu, and H. Zhang. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: the effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, 113, pp: 109-130.
15. Healy, P. and Palepu, K. G., (1993), "The effect of firms' financial disclosure policies on stock prices", *Accounting Horizons*, Vol. 7, PP. 1-11.
16. Hutchens, M., and S. O. Rego. (2015). Tax Risk and the Cost of Equity Capital. Working paper, Indiana University.
17. Itoh, K., (2007), *Corporate Valuation*, Nihon Keizai Shimbunsha.
18. KPMG LLP. 2007. The governance of tax: A discussion paper. Available at: <http://www.audit-committee-institute.be/dbfetch/52616e646f6d4956ba3754dfd73bcc4c3fc79f032ab9d4a8/www.bptawards.com>.

19. McGuire, S., S. Neuman, and T. Omer. (2013). Sustainable Tax Strategies and Earnings Persistence. Working paper, Texas A&M University and University of Nebraska–Lincoln.
20. Neuman, S., T. Omer and A. Schmidt.(2013). Risk and return: does tax risk reduce firms' effective tax rates? Working paper, Texas A&M University and North Carolina State University.
21. Neuman, S., T. Omer and A. Schmidt.(2016). Assessing Tax Risk: Practitioner Perspectives: (July 2, 2018). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2579354>.
22. Phillips, J.D (2003), Corporate Tax-planning Effectiveness: the Role of Compensation-based Incentives, *The Accounting Review*, 78.
23. Rego, S., and R. Wilson.(2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, pp: 775–809.
24. Shevlin, T., O. Urcan, and F. Vasvari. (2013). Corporate tax avoidance and public debt costs. University of California - Irvin and London Business School working paper.

